

دوفصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»

شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳: ۵۵-۸۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳

امکان‌های تکنولوژی اطلاعات در عرصه سیاست^۱

روح‌الله اسلامی*

چکیده

انقلاب تکنولوژی اطلاعات، عرصه اندیشه و عمل زندگی انسان‌ها را در همه ابعاد دگرگون می‌کند و عرصه زندگی سیاسی نیز از این دگرگونی کنار نیست. مقاله حاضر، مبانی این تحول را از منظر فلسفه، جامعه‌شناسی و ارتباطات می‌کاود و در بستر خاص علوم سیاسی به رابطه کارآمد تکنولوژی اطلاعات و عرصه سیاست توجه دارد. این نوشته در قالب رویکردهای خوش‌بینانه و همدلانه، موضوع را بررسی می‌کند. مقاله ابتدا مبنا و پایه فلسفه و تکنولوژی اطلاعات را ترسیم می‌کند و پس از شرح آن، جنبه‌های چهارگانه پیوند آن با تکنولوژی اطلاعات و سیاست را در قالب جنگ اطلاعاتی، دیپلماسی دیجیتال، دولت الکترونیکی و جامعه مدنی مجازی مورد کاوش قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: تکنولوژی اطلاعات، سیاست، جنگ اطلاعاتی، دیپلماسی دیجیتال، دولت الکترونیک و جامعه مدنی مجازی.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان جریان‌های سیاسی سایبری و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که در دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری تصویب و توسط نویسنده اجرا شده است.

Eslami.r@um.ac.ir

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

پس از انقلاب تکنولوژی اطلاعات در پایان قرن بیستم که به صورت پیدایش ماهواره‌ها، رسانه‌ها، کامپیوترهای پیشرفته، اینترنت و علوم و فنون جدید اطلاعاتی نمایان شد، روابط انسانی دستخوش تغییرات بنیادی شد. به اعتقاد فرانک وبستر^۱، «جهان امروز به لحاظ تجربه کردن اطلاعات بی‌سابقه است و ما در دوره‌ای انتقالی به سر می‌بریم که در آینده به تغییرات عمیقی در زندگی مان ختم خواهد شد» (Webster, 2001: 1).

روند تکامل کمی و کیفی رادیو و تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... سبب شده تا به عصر جدید اعداد و ارقام کامپیوتری قدم بگذاریم که از عصر صنعت‌گرایی و سرمایه‌داری دولت - ملت محور متمایز است (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۹۸). در این تکامل جهشی که «انقلاب اطلاعات» نام دارد، شاهد مهندسی خرد و کلان تحولات به وسیله سیستم‌های الکترونیک و اطلاعاتی هستیم. نقطه عطف این تحولات در دهه ۱۹۷۰ روی داد که با تکنولوژی حیات نیز پیوند دارد. اولین موج این اثرگذاری، روندی را شکل داد که به رواج بهره‌وری متکی به دانش و سرمایه‌داری اطلاعات محور انجامید. این روند در طی تکامل اطلاعاتی خویش، تبدیل به نهادها و سازمان‌هایی می‌شود که روی هم‌رفته فرهنگ جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهند. کاستلز از این تحول به مثابه حرکت از جهان گوتنبرگ به دنیای مک‌لوهان یاد می‌کند. در این تحول فرهنگ رسانه‌های جمعی، یعنی رسانه‌هایی با تنوع مخاطبان انبوه و ارتباطات کامپیوتری، به جهت سوق‌دهی جوامع مجازی و منظومه‌های اینترنتی به سمت فضاهای تعاملی و شکل‌گیری محیط‌های نمادین و مجازی پیش می‌رود. در این عصر، آنچه بشر فکر می‌کند، امکان می‌یابد تا در فضایی غیر مادی تبدیل به واقعیتی خارق‌العاده گردد. این اثرگذاری نه در منطق مکانیک سه بعدی، بلکه در نمادهای مجازی و دال‌های موجود در ذهن آدمی شکل می‌گیرد.

امکان‌های تکنولوژی اطلاعات در قالب محیط‌های سایبر و شکل‌گیری جوامع شبکه‌ای، سیاست را نیز دستخوش تغییرات بنیادین می‌کند. تأثیر این تغییرات به گونه‌ای است که می‌توان عرصه تحلیل سیاست را به قبل و بعد از پیدایش تکنولوژی اطلاعات تقسیم کرد. تحلیل بسترهای علوم سیاسی در پیش از پیدایش تکنولوژی

1. Frank Webster

اطلاعات، حالت توصیفی و هنجاری مبتنی بر اخلاق‌واره‌های انسانی دارد (مثل افلاطون و راولز). پس از انقلاب تکنولوژی اطلاعات، علوم سیاسی حالتی ساختاری پیدا کرد؛ یعنی دیگر برای بحث آزادی، عدالت و بسیاری از فضیلت‌های سیاسی، تنها تکیه بر سوژه‌های انسانی، کارآمد نیست و وجوه ساختاری اطلاعاتی جدید نیز باید در تحلیل سیاست مورد توجه قرار گیرد؛ به گونه‌ای که نادیده گرفتن آن، قلمرو سیاست را بسیار تخیلی و غیر واقع‌بینانه می‌کند (Emil-Bailey, 2002: 26).

در مقاله حاضر سعی بر این است که با در نظر گرفتن پیامدهای تکنولوژی اطلاعات در عرصه سیاست، به بررسی امکان‌ها و فرصت‌هایی بپردازیم که تحت تأثیر این فضا به وجود می‌آید. محتوای این مقاله در بستری خوش‌بینانه با امکان تکنولوژی اطلاعات برای عرصه سیاست، از قبیل دموکراسی دیجیتال، دولت الکترونیک، جنگ اطلاعاتی و... شکل گرفته و بر آن است که قرار گرفتن سیاست در فضای سایبر باعث شکل‌گیری و تقویت بیشتر استانداردها و عقلانیت سیاسی مورد اجماع می‌گردد (Stevenson, 2001: 71). استانداردهایی از قبیل دولت کارآمد در قالب حکمرانی خوب، تله دموکراسی و افزایش پتانسیل‌های جامعه مدنی و حوزه عمومی، اطلاعاتی و هویتی شدن جنگ و مباحث مربوط به دیپلماسی دیجیتال در این مقاله بررسی می‌شود.

اهمیت پژوهش در این است که با داشتن منطق خوش‌بین و همدلانه، همه آنچه را که امکان دارد تکنولوژی اطلاعات برای جوامع سیاسی به همراه داشته باشد، تحلیل کرده است. دیدگاه انسان‌ها به تکنولوژی اطلاعات باعث سمت‌دهی و هدایت جوامع انسانی می‌شود. تقریباً اغلب کشورهای توسعه‌یافته در عصر اطلاعات، رویکردی راهبردی و استراتژیک به تکنولوژی اطلاعات داشته‌اند و خواسته‌اند از بسترهای مکانیکی و سنتی سامان‌دهی قدرت‌کننده شده و به سمت منطق کوانتومی قدرت حرکت کنند.

تکنولوژی اطلاعات

تکنیک، عرصه عملی، فنی و توانایی دم دست بشر، متفاوت از عقلانیت نظری است (خالقی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). «هزیود»، شاعر یونانی در حدود هشتصد سال قبل از میلاد، رساله‌ای نوشت به نام «کارها و روزها» که در آن بر وجه فنی و مهارتی اینگونه از

عقلانیت تأکید کرد (بل، ۱۳۸۲: ۱۳). این عقلانیت در قالب ساختن چیزها برای به کارگیری و با نگاه فایده‌گراانه و ابزاری، همواره زندگی روزمره انسان‌ها را سامان داده است (همان: ۱۴). تکنولوژی به عنوان دانش این تکنیک، به بررسی این حوزه از توانایی آدمی می‌پردازد. تکنولوژی در جامعه پیشاصنعتی در قالب ابزار ساده دستی، اهرم‌ها، چرخ‌ها و... نمود پیدا کرد. اختراعات و اکتشافات دوره مدرن در قالب تکنولوژی بخار و برق، نیرو را از عضلات آدمی به درون خود ماشین و ابزار انتقال داد. تکنولوژی مدام پیشرفت داد تا جایی که انسان‌ها در انتهای قرن بیستم با استفاده از سامانه‌های مخابراتی و الکترونیکی، وارد عصر اطلاعات و پیدایش تکنولوژی اطلاعات شدند. تکنولوژی اطلاعات خود را به صورت فضای سایبر در قالب ماهواره، کامپیوتر و رسانه‌های دانش‌محور رمزی و نمادین دیجیتالی نشان داد.

«دانیل بل»، ویژگی‌های این عصر را در قالب یازده اصل اینگونه معرفی می‌کند: «مرکزیت یافتن دانش نظری، آفرینش نوعی فن‌آوری جدید فکری، گسترش طبقه علمی، تغییر از کالاها به خدمات، تغییر در خصلت کار به صورت انسانی شدن کار، تبدیل شدن علم به آرمان ذهنی، پایگاه‌های علمی فن‌آورانه، اداری، فرهنگی، نهادی و ارتش به مثابه واحدهای سیاسی، شایسته‌سالاری بر اساس تعلیم و تربیت مهارت، پایان کم‌یابی به جز کم‌یابی مربوط به اطلاعات و زمان و اقتصاد اطلاعاتی» (همان، ۱۳۸۵: ۴۴۷). تکنولوژی اطلاعات توان آدمی را در غلبه کردن بر محدودیت‌های مکانی و زمانی بالا می‌برد. در تحلیل مکان، کاستلز اعتقاد دارد که ما از فضاهای قدیمی ایستای یکنواخت با هویت ثابت و کارویژه تک‌بعدی خارج شده و به فضای جریان‌ها وارد شده‌ایم (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۷۵-۴۸۳) که در آن با بیرون آمدن از نقش‌های معماری ریاضی هندسی خسته‌کننده مدرن، نوعی نوسان، هویت سیال، بی‌قراری، چندبعدی بودن و... را که ارتباط بسیاری با منطق کوانتوم و عقلانیت پسامدرن دارد، شکل داده‌ایم. در این مورد او مثالی از دهه ۱۹۶۰ و از کوچه‌های تنگ شهرهای فرانسه می‌گوید که جو آرمان‌های آخرالزمانی مارکسیستی آلتوسری داشتند، اما اکنون پوچ‌گرایی سیالی بر آنها حاکم است که نوعی فضا‌مندی بی‌آرمان به شمار می‌رود (همان: ۴۸۹-۴۹۴).

در مورد زمان نیز کاستلز با فرا رفتن از زمان علمی مکانیکی نیوتنی، بحث‌های جذاب و پیچیده «اسپینوزا» و «هایدگر» را که زمان را انعطاف‌پذیر و فشرده می‌دانند، مطرح می‌کند و می‌گوید: افق این عصر به سمتی می‌رود که نوعی بی‌نظمی اجتماعی را شکل می‌دهد؛ بی‌نظمی‌ای که در آن نوعی انکار مرگ را نشانه می‌رود. نمود این مرز بی‌نهایت باورناپذیر در تک‌گویی فلسفی کاستلز چنین آمده است که «ما و جامعه‌مان، زمان مجسمیم و ساخته تاریخ» (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۹۸). این وضعیت به مسلط شدن متن‌های متکثری انجامیده که آشفتگی و نظم را در ابهامی رفت و برگشتی قرار می‌دهد. «زمان‌بندی مسلط وقتی ایجاد می‌شود که ویژگی‌های یک متن بخصوص، یعنی پارادایم اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای به ایجاد آشفتگی در توالی پدیده‌هایی بینجامد که در آن متن اجرا می‌شود (همان: ۵۳).

«روزنا» نیز در این مورد می‌گوید: «فن‌آوری الکترونیکی جدید منجر به بزرگ‌ترین مباران مطالب دیداری و شنیداری شده است که بشر در طول تاریخ خود تجربه کرده است. این فن‌آوری، رویدادهای کل جهان را به سرعت در معرض توجه هر مخاطبی قرار داده است» (روزنا، ۱۳۸۳: ۴۵۴). مرحله اول این تکنولوژی، الکترونیکی، رسانه‌ای، تصویری و اطلاعاتی بود. ویژگی این مرحله، ملی‌گرایی، خاص‌گرایی، هزینه بالا و شیوع بسیار محدود، آن هم به صورت تک‌صدایی در اشکال ساده بود. مرحله دوم که بیشتر مد نظر این نوشتار است، پس از تکامل مرحله اول، با آغاز دهه ۱۹۷۰ و شبکه‌های ماهواره‌ای جهانی اینتل‌ست^۱ است که از یک شبکه نو پا به شبکه‌ای تبدیل شد که در اکثر کشورها قابل دسترسی بود. در ابتدای این دهه، ۲۴ کشور دارای ایستگاه زمینی بودند، اما در پایان آن، ۱۳۵ کشور از این خدمات بهره گرفتند (همان: ۴۵۴).

تکنولوژی اطلاعات با وارد شدن کامپیوتر، انقلاب جهانی ارتباطات و پیدایش و گسترش بی‌سابقه اینترنت در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. تکنولوژی اطلاعات با امکانات مدام در حال پیشرفت خود، جهان دورافتاده، ناآگاه و مرزدار انسان‌ها در تمام کره زمین را تبدیل به دهکده‌ای جهانی نمود. این انقلاب تکنولوژیک اطلاعاتی به سایر حوزه‌ها نیز کشیده شد. به عنوان مثال می‌توان به جهش خارق‌العاده و عجیب علوم

زیستی و ژنتیکی اشاره کرد که تکامل آن در کنار تکنولوژی اطلاعات و یاری رساندنشان به یکدیگر، هم از جهت ارائه توانایی پوزیتیویستی به بشر برای تحلیل وقایع انسانی و طبیعی در تحلیل‌های سیستمی پیشرفته و هم از جهت استفاده از هوش مصنوعی (که جای انسان را نمی‌گیرد بلکه توانایی او را تکمیل می‌کند) مورد استفاده قرار می‌گیرد (روزنا، ۱۳۸۳: ۴۴۱).

از این جهت است که اکنون افق‌های جدید ابزاری و امکاناتی، از حد فرصت و توانایی بالقوه فراتر رفته‌اند و خود زندگی، جهان زیست و تمام عرصه و دغدغه انسان‌ها را در بر گرفته‌اند. اهمیت تکنولوژی اطلاعات، زمانی برجسته می‌شود که بدانیم قبل از تکنولوژی اطلاعات در قرن هجدهم هر پنجاه سال، اختراعات به دو برابر می‌رسید. این فرایند در ۱۹۵۰ به هر ده سال رسید، اما از ۱۹۷۰ به هر پنج سال رسید (بیات، ۱۳۸۵: ۷). مدرنیته در اواخر قرن بیستم، روبه‌ای انفجاری به خود گرفت، به نحوی که نود درصد از اختراعات بشر در نیم قرن گذشته صورت گرفته است.

هینز در این زمینه می‌گوید: «تکنولوژی، نیرویی است باعث تغییر». او در آغاز هزاره سوم، تکنولوژی‌هایی را که تعریف جدیدی از روابط اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها ارائه می‌دهند، چنین دسته‌بندی می‌کند:

- برنامه‌های جدید کامپیوتری که فرصت طلایی و تصورناپذیری برای شرکت‌ها، نهادها و دولت‌ها به همراه می‌آورد؛
- سیستم‌های ماهواره‌ای مانند ناباستار (مجموعه ۲۴ ماهواره که موقیت‌های مکانی جهان را نشان می‌دهد)، تیروس (علم شناخت فضاها‌های ناشناخته)، اسکای‌نت برای ارتباطات زیردریایی‌ها، شبکه ایریدیم با ۶۶ ماهواره و شبکه ماهواره‌ای تله‌دسک با ۸۴۰ ماهواره که تماماً برای پیش‌بینی‌های ماهواره‌ای به کار می‌رود؛
- اینترنت و مخابرات فضایی به همراه افزایش کاربری از طریق فیبر نوری، اطلاعات سلولی دیجیتالی شبکه‌های برتر کامپیوتری، سیستم‌های ارتباط شخصی کامپیوتری، تابلوهای شبکه‌ای اینترنت و اینترنت، همین‌طور تلفن‌های همراه، پست الکترونیک و ویدئو کنفرانس در این مسیر قرار دارند؛

- در آخر تکنولوژی‌های بیوتکنولوژی و دستیابی به بخش زن‌ها که می‌تواند تغییرات گسترده‌ای را در دانش، سلامت انسان‌ها و تولیدات گوناگون نوید دهد (هینز، ۱۳۸۷: ۷-۸).

سیاست

تولد علم سیاست همراه با مطالعه دولت و رفتار سیاسی آن بود (عالم، ۱۳۷۳: ۲۲-۳۱) و موضوعاتی همچون مشروعیت دولت‌ها و حاکمیت ملی آنها در قالب قرارداد اجتماعی، خلق قدرت جدید لویاتانی را محور قرار داد (های، ۱۳۸۶: ۲۷۷). با عبور از رنسانس، انقلاب صنعتی، جنگ‌های جهانی و شکل‌گیری افکار فراملی و رسیدن به حد انفجاری آن یعنی انقلاب تکنولوژی اطلاعات، مطالعه قدرت و سیاست نیز دیگر تنها در بند دولت و رفتار آن نیست. «در مباحث قدیم هنگامی که از قدرت صحبت می‌شود، شنونده بی‌درنگ ساختار سیاسی یا حکومت یا طبقه حاکم در مقابل برده و شبیه به این موارد را به ذهن می‌آورد، اما این به هیچ‌وجه تنها شکل قدرت نیست؛ قدرت در تمام روابط انسانی وجود دارد. خواه این رابطه با زبان برقرار شود، خواه رابطه عاشقانه باشد و خواه رابطه اقتصادی. در همه این روابط، یک طرف می‌کوشد طرف دیگر را مهار کند و زیر فرمان بگیرد» (حقیقی، ۱۳۸۰: ۲۲۸-۲۲۹).

با تردید در بسیاری از مبانی تجدد و زیر سؤال رفتن استانداردها و توافق‌های عقلانیت سیاسی، تعریف اینکه چه چیزی در حیطه امر سیاسی قرار می‌گیرد، کار دشواری است. امروزه با مخدوش شدن حوزه‌های علوم سیاسی و فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و... قلمرو سیاست از زبان تا جنسیت و حتی اخلاق و حکمرانی بر خود را نیز در برمی‌گیرد.

«کیت نش» در مقاله‌ای با عنوان «مباحثه‌ای در مورد قدرت - جامعه‌شناسی سیاسی در عصر اطلاعات» می‌نویسد: «کاستلز در تحلیل عصر اطلاعات با برگرفتن اندیشه‌های آلن تورن و دانیل بل نتوانسته است بحث قدرت را به طور کامل تحت پوشش قرار دهد. او برای این منظور یعنی طرح جانشین‌سازی دولت - ملت، از مدل تحلیل فوکو یعنی نوعی سیاست فرهنگی بهره می‌گیرد» (Nash, 2001: 81).

اما این مقاله همچنان به اصول کلاسیک پایبند است و بیشتر چهره ملموس و واقعی امر سیاسی را مد نظر دارد و با این رویکرد به تفسیر مفهوم قدرت در داخل و خارج از مرزهای دولت - ملت‌ها می‌پردازد. برای این منظور لازم است چهار وجه سیاست را که در این نوشته مدنظر است، مشخص کنیم:

الف) تکیه بر وجه قدرت و منافع ملی در سطح دولت‌ها برای صیانت دولت‌های سرزمینی. این حوزه خشک و کاملاً عریان عرصه سیاست، خود را در قالب جنگ معنی می‌کند. جنگ رابطه رودرروی واحدهای سیاسی است که در آن عقلانیت به محاسبه‌گرایانه‌ترین وجه به صحنه می‌آید. دفاع و حفظ بقای دولت - ملت‌ها به عنوان غالب‌ترین بازیگران عرصه بین‌المللی، مؤلفه اساسی در امر سیاسی محسوب می‌شود. حال پرسش این است که جنگ در پی ورود تکنولوژی اطلاعات به چه صورتی در خواهد آمد؟

ب) امرار معاش ساکنان داخل مرزها و مدیریت مطلوب منابع و توزیع قدرت و ثروت و ارزش، بحث دولت را به میان می‌کشد. سیاست در وجه داخلی، گونه‌ای از اداره امور شهروندان است که به واسطه وزارت‌خانه‌ها، اداره‌ها و در کل نهادهای بروکراتیک اعمال می‌شود. در مقاله حاضر به پیامدها و وجوه کارآمد و مطلوب تکنولوژی اطلاعات بر ساختار دولت در قالب دولت الکترونیک و حکمرانی خوب پرداخته می‌شود.

ج) فضای آرمانی انتقادی و وجه نظارت‌گری که در فضای عمومی (در شکل پیشرفته آن یعنی جامعه مدنی) وجود دارد، وجه دیگر تحلیل ما را در بر خواهد داشت. کنترل و پاسخ‌گو کردن فضای رسمی قدرت، نظارت و محدود کردن آن بر عهده احزاب، رسانه‌ها، مطبوعات و نهادهای مدنی است. آنچه به عنوان دموکراسی و جامعه مدنی و همچنین جنبش‌های جدید شناخته می‌شود، در این قسمت بررسی می‌شود و تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر آنها سنجیده خواهد شد.

د) رابطه رسمی و غیر رسمی میان دولت - ملت‌ها، وجه آخر نمود سیاست را در این مقاله در بر خواهد گرفت. روابط رسمی همچون گونه‌های اشرافی و آدابی به همراه آداب دیپلماتیک و رویه‌های بروکراتیک نوشته شده در قالب حقوق بین‌الملل، غیر رسمی و نانوشته در قالب عرف بین‌الملل، وجهی اساسی و انکارناشدنی از نمودهای

سیاست است. در این مورد تأثیرگذاری تکنولوژی اطلاعات بر دیپلماسی و گونه‌های قدرت نرم و دیپلماسی مجازی را بررسی خواهیم کرد.

پیشینه پژوهش

در مورد ارتباط تکنولوژی اطلاعات سیاست، متفکران و اندیشمندان زیادی اثر خلق کرده‌اند. به طور خلاصه می‌توان رویکردهای آنها را به سه دسته همدلانه، انتقادی و رادیکال تقسیم کرد. رویکرد همدلانه اعتقاد دارد که تکنولوژی اطلاعات باعث ایجاد فضایی شده است که قدرت را شفاف می‌کند و با توجه به کاهش انحصار دولت، شهروندان را توانا تر ساخته است. رویکرد انتقادی سعی می‌کند تا مضرات و فواید تکنولوژی برای عرصه سیاست را بازگو کند و نشان دهد که عصر اطلاعات، هم دموکراسی و دیپلماسی سایبر را به ارمغان آورده است و هم باعث ایجاد شکاف‌ها و فاصله‌های دیجیتالی شده است. رویکرد بدبین نیز کاملاً به شیوه انتقادی و رادیکال، دست‌آوردهای فضای سایبر برای عرصه سیاست را شالوده‌شکنی می‌کند و بر این اعتقاد است که بشر با سرعتی باورناپذیر در حال حرکت به سمت جامعه کنترلی و انضباطی است.

رویکرد این مقاله، تکمیل ادبیات منطق همدلانه و خوش‌بین است که سعی دارد نشان دهد که بدون تکنولوژی اطلاعات و فهم منطق همدلانه، امکان توسعه و قرار گرفتن در بستر عصر اطلاعات امکان‌پذیر نیست.

جدول ۱- سه رویکرد پژوهش‌های صورت گرفته در مورد تکنولوژی اطلاعات و سیاست

نام رویکرد	رویکرد همدلانه	رویکرد انتقادی	رویکرد بنیادگرایانه
شاخه‌های درونی	لیبرال‌ها و نئولیبرال‌ها	انتقادی‌ها و محافظه‌کاران	پدیدارشناسان و پسامدرن‌ها
متفکران اصلی	بل، هلد، گیدنز، تافلر	هابرماس، فوکویاما، کاستلز	نگری، هارت، آگامبن، بودریار
شیوه استدلال	جامعه شبکه‌ای جهانی، مدرنیته تکامل‌یافته جهان‌وطنی	قدرتمندی روزافزون غرب، تغییر جایگاه جنوب شرقی آسیا، بدبختی و جهان چهارم شدن آفریقا	دولت سراسربین دولت انضباطی دولت کنترلی
آینده سیاست در عصر اطلاعات	تکنولوژی اطلاعات با فراهم آوردن ابزار تسریع‌کننده جهانی شدن لیبرالیسم سیاسی و آرمان‌های جهانی، آن را محقق می‌کند	دوگانگی بسیار پیچیده شکوفایی، رفاه، مقاومت، قدرت، مثل هر متن دیگر دوگانه است	عصر؛ انضباط، کنترل و نابودی کشورهای جهان سوم

مبانی نظری کارآمدی تکنولوژی اطلاعات

بنیان فلسفی تکنولوژی اطلاعات، ریشه در مدرنیته دارد. مدرنیته نگاهی انسان‌گرا و سوژه‌محور در جهت استیلا بر طبیعت و کل وجوه ناخودآگاه زندگی بشر دارد. تبار این تفکر خوش‌بینانه و اختیارگرا را شاید بتوان به دکارت رساند. او دل‌بسته یقین ریاضیات بود و می‌خواست با استدلال‌های شبیه هندسه تحلیلی، بر شک دستوری که مبنای تفکر خویش قرار داده بود فائق آید (دکارت، ۱۳۸۱: ۱۸۲). او اساس مدرنیته فلسفی را در دو سویگی سوژه‌گرایی آگوستینی و ابژه‌گرایی گالیله‌ای قرار داد (ماتیوز، ۱۳۷۸: ۱۴)؛ تا این نوسان شکاک، انقلابی، انسان‌گرا با وجهی یقینی و با محوریت استاندارد عقلانیت ریاضی‌گونه پایه‌گذاری شود (مجتهدی، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

این بنای بی‌سابقه در تاریخ بشری با سمت و سو دادن به بعد تجربی خویش، به نفی بت‌های خرافی رسید (فروغی، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۵) که فرانسویس بیکن آن را شرح می‌داد. بیکن کتابخانه خویش را نه علوم تلنبار شده تلنبار شده جزم‌گرای، تکراری مدرسی، که اجساد عریان قابل مشاهده‌ای قرار می‌داد که می‌بایست به روش استقرایی و تجربی،

معرفتی را شکل دهد که بی‌طرف، علمی و غیر شخصی است و دست هیچ پادشاه و دزد و کشیشی به آن نمی‌رسد (هورکهایمر و آدورنو، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۱). در واقع الگوی حاکم بر ذهنیت بیکن، ایجاد قدرتمندی انسان بر تجربه‌ای بود که می‌بایست با شناخت قوانین طبیعت و حتی رفتار آدمی، همه چیز را تحت کنترل و سیطره خود درآورد. از همین جا بود که آرمان‌شهرهای زمینی، جاودانگی و خدایی شدن انسان شکل گرفت.

یکی دیگر از اثرگذاران مدرنیته، «کندرسه» است که در دایره‌المعارف فهم بشری خود سعی کرد به دور از مذهب، فلسفه و خرافات، طرحی از توانایی و دانایی انسان بریزد که بتواند جهان بیرون خود را بشناسد و این همان کارگزار شدن انسان و شورش علیه تاریخی بود که خود را در انقلاب فرانسه نشان داد. میراث کانت که روشنگری را بلوغ آدمی و روی پای ایستادن او قلمداد می‌کرد، اینجا معنی پیدا کرد. با ارجاع به همین نقطه است که لیوتار مشروعیت بازی زبانی دانش جدید را در دو بعد سیاسی ناپلئون و فلسفی هگل می‌داند (لیوتار، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

در یک نگاه کلی و خلاصه می‌توان اصول مدرنیته را چنین بیان کرد:

- حاکم کردن عقلانیت سراسری بنتهامی بر کل زندگی و هستی (سلدون و ویدسون، ۱۳۸۴: ۲۴).

- تحت سلطه و سیطره درآوردن نیروهای شر و کنترل آنچه خارج از اراده آدمی است.

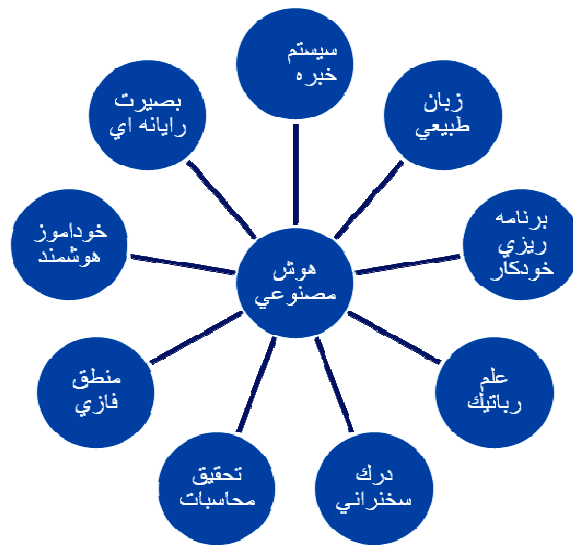
- افزایش شادی و ایجاد بهشت زمینی، انسانی جاودان و بدون مرگ.

تکنولوژی اطلاعات با این رویکرد در آغاز به صورت ابزار یاری‌دهنده مدرنیته درآمد. در پرتو مباحث منطقی ریاضی‌گونه و دستگاه‌های یاری‌دهنده قدرت محاسباتی و برنامه‌ریزی، که تصمیم‌گیری انسان‌ها را با یارانه و داده‌های تحلیل‌شده اطلاعاتی و آزمایش‌شده با درصد ناچیز خطای احتمالی همراهی می‌کند، مباحث سیستم‌های مبتنی بر دانش^۱ و هوش مصنوعی^۲ شکل گرفت. هوش مصنوعی، حوزه مطالعاتی ایجاد سیستم‌هایی است که تنها افراد هوشمند از عهده آن برمی‌آیند (همان: ۲۷). منطق هوش مصنوعی، نوعی الگوریتم مرحله به مرحله برای رسیدن به جواب است که سیستم خبره

1. Knowledge-Based-System
2. Artificial Intelligence

۶۶ / پژوهش سیاست نظری، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳
به عنوان تقلیدی از افراد خبره و کمک گرفتن از یارانه و علوم ارتباطات به عنوان شاخه‌ای از آن محسوب می‌شود.

طرح‌های آمایشی مبتنی بر سودمحوری محض در جست‌وجوی فضای وضعیت^۱ علاوه بر محاسبات ریاضی، از سال ۱۹۶۵ به سمت تشخیص بیماری‌های عفونی، کشف و شناسایی منابع طبیعی و معدنی و برنامه‌ریزی‌های جغرافیایی حرکت کرد (الهی و رجب‌زاده، ۱۳۸۲: ۵). آغاز پاگیری این سیستم‌های هوشمند در فعالیتهای تجاری نیز به سال ۱۹۷۰ برمی‌گردد که در همین زمان از مصرف انرژی گرفته تا جنگ، سفرهای فضایی و... را در برمی‌گرفت (همان: ۱۱۳). آمریکا، انگلیس و ژاپن در این تکنولوژی سرآمد بودند.



شکل ۱- ایجاد شدن هوش مصنوعی و کمک رایانه به انسان‌ها در پروژه‌های مختلف

- به طور کلی فرایند هوش مصنوعی اولیه، خود را در شاخص‌های زیر تعریف می‌کند:
- افزایش دائم دانش، تجربه و بهره‌وری به صورت کمی و کیفی
 - ایجاد الگوهایی بر اساس کاهش احتمالات خطا و ایجاد نوع آرمانی به صورت حل مشکل کمبود متخصص

1. State Space Search

- ورود به محیط‌های خطرناک به صورت تصمیم‌گیری‌های سریع و استراتژیک
 - شناخت و برآورد تجهیزات، امکان‌ها، برنامه‌ریزی و آمایش درست سرزمین
 - برآورد هزینه‌ها، بازخوردها و ارائه الگوهای جایگزین
 - بر تمام این فرایندها آموزش، رقابت و انتقال تجربه وجود دارد.
- این سامانه مدیریتی اطلاعاتی هر چه به پایان قرن بیست نزدیک می‌شد، از حالت ابزاری خارج و به جزء جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره تبدیل شد. در حالی که آغاز عصر اطلاعات یعنی اواخر قرن بیستم به شکل‌گیری عرصه‌ای انجامید که بسیاری از نظریات فلسفی، توانایی تحلیل آن را از دست دادند. مباحث فلسفه علم در بهترین حالت به وسیله کارل پوپر پیش می‌رفت که اصل ابطال‌پذیری‌اش را به راحتی در برابر اثبات‌گرایی قرار می‌داد (پوپر، ۱۳۸۴: ۳۴۷) و افتخار می‌کرد که حلقه وین را کشته است (خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). او در حالی که با سوار شدن بر میراث فرانسیس بیکن پیش می‌رفت، حتی جرأت نگاه کردن به تلویزیون را هم نداشت، چرا که وسایل ارتباطی جدید، دنیای فلسفی امنیت‌وار او را آشفته می‌کرد.
- از طرف دیگر «یورگن هابرماس»، مباحث عقلانیت را مطرح می‌کرد که به تعبیر کاستلز، نظریه کنش وی برای خروج از بن‌بست‌های قفس آهنین وبری، بدون توجه به امکانات جدید عصر اطلاعات، امری ناممکن است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۳). هابرماس با زبانی توهمی به جنگ پسامدرن‌ها می‌رفت. در حالی که بازی‌های زبانی آنان را می‌پذیرفت، اندرزگویانه و هنجاری تنها بر عقلانیتی که خود آن را تضعیف کرده بود، به وجهی شهودی پا می‌فشرد.
- بنیاد مشروعیت تکنولوژی اطلاعات در وضعیت جدید با سرعتی شگفت‌انگیز خود را در حوزه عملی به صورتی بدیهی نشان می‌داد. به عنوان مثال تکنولوژی اطلاعات، بحث مهندسی ژنتیک در کشف جرم را از راه شناخت مجرم به وسیله سامانه‌های دقیق نمونه‌برداری علمی از بدن، خون، آب دهان، ته سیگار و... انجام می‌داد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۱۴۸). به گونه‌ای که جایی برای کشف و شهود قاضی باقی نمی‌گذاشت (همان: ۱۵۱). چه برسد به دغدغه‌های هابرماس همچون تعامل نمادین و کنش ارتباطی و عقلانیت انتقادی بین‌الذهانی. دستاوردهای علمی به صورت عملی، نظریه‌های وجودی،

پدیداری، هرمنوتیک و پساساخت‌گرایی را زیر سؤال برد و به گفته کارنپ نشان داد که متافیزیک‌های غیر علمی چیزی جز چرندیات و وراچی‌های غیر زبانی نیست (کارنپ، ۱۳۸۲: ۳۹). به اعتقاد اینان، هر کس از هستن، بودن، شدن و گزاره‌های گنگ، نامفهوم و پر ابهام در کلامش استفاده کند، قصدیت‌اش در همان ابتدا در حوزه متافیزیک مهمل جای خواهد گرفت (همان: ۴۰)؛ چرا که عرصه کیفی تحلیل‌های زبان بدون منطق تجربی و روش علمی مثل هگل، هایدگر، برگسون، نیچه و... چیزی جز نام‌گذاری کودکانه، اساطیری و شاعرانه نیست که نوعی واکنش طبیعی عاطفی بشر به محیطش است و حوزه‌های ادب و شعر و علم و فلسفه را به هم ریخته‌اند (همان: ۴۸).

در اینجا مناسب است در بسط این فضا، گفته «مایکل لسناف» را بیاوریم که در اندیشه سیاسی قرن بیستم با محوریت لیبرالیسم از کسانی چون سارتر، مرلوپنتی، آلتوسر، فوکو، رورتی، دریدا و... بحث نمی‌کند و می‌گوید اینان یا سخن پر مغزی در مورد سیاست نگفته‌اند و یا اگر گفته‌اند، قابل فهم نیست (لسناف، ۱۳۷۸: ۱۲).

بازگشت علم و فراگیر شدن آن در این عصر، دیگر فقط در قالب کتاب، کاغذ و ماشین چاپ یعنی عصر گوتنبرگ نبود که با صنعتی شدن و ملی‌گرایی پیوند خورد، بلکه عصر بیوتکنولوژی همان‌طور که مک لوهان می‌گوید: «با عبور از جامعه صنعتی و کاهش دخالت دولت - ملت‌ها، امکان گسترش نظام عصبی را در جهان فراهم می‌کند» (ریفگین، ۱۳۸۲: ۳۰۵). اکنون واژگان الکترونیکی برخلاف حروف چاپی، فضایی اشغال نمی‌کنند و برعکس برای خود فضایی بی‌حدومرز، بی‌پایان و منسجم را شکل داده‌اند. عصر اطلاعات، عصر تحقق آرمان‌ها و دستیابی به قدرت خارق‌العاده است که بلافاصله زبان را تبدیل به واقعیت می‌کند. در سال ۱۹۵۳، تنها هفت سال پس از آنکه مهندسين در دانشگاه پنسیلوانیا واقع در فیلادلفیا از کامپیوتر برای تحلیل داده‌هایشان استفاده کردند، جیمز واتسن و فرانسیس کریک اعلام کردند که مارپیچ دوگانه DNA را کشف کرده‌اند و رموز دنیای زیست‌شناسی را گشوده‌اند (همان: ۳۰۸).

با روی آوردن به تکنولوژی اطلاعات، تحلیل‌های سیستمی، ماهیتی سیبرنتیک به خود گرفت. سیبرنتیک از واژه یونانی^۱ به معنای سکان‌دار گرفته شده است. سیبرنتیک،

نظریه‌ای عمومی است که تلاش می‌کند از شیوه‌ای که پدیده‌ها برای حفظ خود به کار می‌گیرند، استفاده کند. برای این منظور، فعالیت را به دو جزء اصلی سازنده یعنی اطلاعات و بازخورد تقسیم می‌کند و مدعی است که همهٔ فرایندها را می‌توان به عنوان ترکیبی از این دو درک کرد. واینر در این مورد می‌گوید: روند دریافت اطلاعات و استفاده از اطلاعات در واقع روند تطبیق یافتن ما با امکانات محیط خارجی و تطبیق حیات ما به نحوی مؤثر در چارچوب محیط‌زیست است (ریفگین، ۱۳۸۲: ۳۰۹).

این فرایند فوق‌العاده علمی و ریاضی‌گونه، به ترموستات خودتنظیم‌گر با بازخوردهای خاص نیز تشبیه شده است. همین نگرش باعث شده است که عملاً هر فعالیت مهمی در جامعهٔ امروز، تحت کنترل اصول سیرنتیک صورت گیرد و این روش نه تنها یک ابزار، بلکه نگاهی است که فرهنگ تکنولوژیکی را شکل داده و حلقهٔ فرایندهای کنترل‌پذیر را گسترش داده است. اعتماد روزافزون به کامپیوترها، تفسیر نهادینه کردن اصول سیرنتیک به عنوان الگوی مرکزی سازمان‌دهی آینده را شکل داده است. سیستم‌های خیره با دست یافتن به این امکانات جدید از روش پدیدارشناسی و بازنمایی دانش بهره گرفتند. شفافیت اطلاعات محاسباتی و کاربردی بودن آن یعنی استفاده از منطق مهندسی دانش، تفکری اثبات‌گراست (اللهی و رجب‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۰)، اما در این اثبات‌گرایی نوعی عدم قطعیت دیده می‌شود. این نوع تحلیل سعی می‌کند عامل انسانی را نیز پراهمیت جلوه دهد و در برخورد ایستایی درون داده‌های سیستم، زبان انسانی و متن‌محوری او را نیز جای دهد، تا در طرح‌های آمایشی از حالت برنامه‌های بسته دو گزینه‌ای خارج شده و با افزایش کیفیت و امکان احتمالات فراوان‌تر یعنی عدم توافق اغتشاش^۱ و نامشخص بودن^۲ در تحلیل عمیق‌تر، خروجی‌ها و بازخوردها را مورد توجه قرار دهد.

بازتاب این فضا در عرصهٔ سیاست به مفهومی که مطرح شد، به شکل‌گیری مؤلفه‌های زیر می‌انجامد:

-
1. Essionance-Confusion
 2. Non Specificity

الف) جنگ اطلاعاتی^۱

جنگ به عنوان یکی از چهره‌های اصلی آشکارشدگی سیاست در روابط قدرت انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. در مورد پیوند شدید جنگ با تکنولوژی اطلاعات، پدیده جنگ در سکوت مطرح می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۰۹). اولین بار در سال ۱۹۷۶ سخن از جنگ اطلاعات به میان آمد، که منظور از آن جنگی است که سلاح اصلی آن دانش است. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰، آمریکا به دیجیتالی کردن سامانه جنگ و سامان‌دهی و کنترل سیستم فرماندهی خود پرداخت (همان: ۱۵۷). البته پیشینه جنگ اطلاعاتی به زمانی دیرتر برمی‌گردد، از جمله اقدامات آمریکا در دوران جنگ سرد در قالب جنگ ستارگان به صورت دفاع فضایی قبل از وقوع حمله در آسمان و طرح شوروی به نام جوهر مغناطیسی یعنی هدایت موشک‌های کروز (همان: ۲۲۸-۲۳۰).

بسیاری از استراتژیست‌های نظامی اعتقاد دارند که فروپاشی شوروی به خاطر برتری اطلاعاتی آمریکا بود، زیرا در شوروی تنها پنجاه هزار کامپیوتر وجود داشت (محمدی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۳۰). نبود جریان شفاف‌سازی یعنی اطلاعات‌مداری و در نتیجه به صورت بهبود روابط داخلی و خارجی و ایجاد فضای تعاملی، همین‌طور پیشی گرفتن دیگر کشورها و در این زمینه تغییر جوهره قدرت، این امپراطوری بزرگ در دوران صنعتی را زمین‌گیر کرد و به فرایند فروپاشی آن به لحاظ عملی و خصوصاً روانی انجامید.

تکنولوژی اطلاعات در اواخر قرن بیستم بر فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و عملیاتی شدن جنگ، تأثیر خارق‌العاده‌ای داشته است. این فرایند، پایه‌ای است که شکل‌گیری مناسبات جدید ارتباطات و اطلاعات در امور نظامی را ضرورت بخشید. انقلاب اطلاعاتی در امور نظامی باعث شد تمام فرایند جنگی در قالب اطلاعات فضایی، تخمین امکانات محیطی ابزاری و انسانی، درجه موفقیت حمله‌ها، انجام رزمایش‌ها و پیروز شدن در جنگ، منوط به داشتن این تکنولوژی شود؛ زیرا در نبردهای جدید، اصل نشانه رفتن به مرکز ثقل حیاتی است که به نحو فلج کردن طرف مقابل، سوار شدن بر اراده او و حتی پیروز شدن در جنگ بدون جنگ مستقیم انجام می‌شود. به عنوان مثال، در جنگ جدید اطلاعات محور خلیج فارس، دو سامانه اطلاعاتی ماهواره‌ای آواکس

1. Information War

(سامانه هشدار و کنترل هواپیماهای در حال پرواز) و جی استار (سامانه مشترک راداری برای تجسس و هدف‌گیری)، جنگ را نقشه‌برداری، برنامه‌ریزی و کنترل می‌کردند. کارگزاران اطلاعاتی با ۳۰۰۰ کامپیوتر، جنگ را کنترل می‌کردند، به صورتی که در ۴۱ پرواز، یک هزار هدف حساس زده شد و ۷۵۰ فروند هواپیمای جنگنده تماماً در کنترل این سیستم بود که باعث شد عراق در همان لحظه اول فلج شود و سامانه عصبی فرماندهی عراق، به خاطر حمله اطلاعاتی دچار اختلال شد. در این جنگ، تنها ۲۰۰۰ نفر از نیروهای ائتلاف شرکت داشتند که تلفات آنان تنها ۳۴۰ تن بود (محمدی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹).

جنگ اطلاعاتی، فریب، افشا، رسواسازی، بزرگ‌نمایی، ابهام‌افکنی، تردید اطلاعاتی، به‌هم‌ریزی و دست‌کاری اطلاعاتی را در نظر دارد (همان: ۶۱) که در اثر آن اقتصاد، سلاح و قدرت نظامی، جای خود را به جابه‌جایی صفر و یک‌ها می‌دهد (همان: ۱۰۷). جنگ‌های اطلاعاتی از یکسو با سامانه‌های غیر متمرکز همکاری و غیر سلسله‌مراتبی جدید و از سوی دیگر با ساختار سرمایه اجتماعی، اعتماد و حتی مباحث حقوق بشر پیوند خورده است (همان: ۱۱۶).

«جان تاملینسون» در مقاله «مجاورت سیاست» می‌نویسد: «در جنگ‌های قدیم که دولت - ملت‌ها علیه یکدیگر وارد نبرد می‌شدند، فرهنگ تجاوز، ترور و زیر پا گذاشتن حقوق بشر اجتناب‌ناپذیر بود. اما بر اساس نظریه کالدور، در جنگ‌های جدید شاهد بازگشت اخلاق و عقلانی‌تر شدن محیط نبرد هستیم. چرا که پیشرفت و دقت تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید جنگی از یکسو و الزام پاسخ‌گویی بازیگران سیاسی به افکار عمومی از سوی دیگر، به انسانی‌تر شدن بیشتر جنگ‌ها منجر می‌شود» (Tomlinson, 2001: 57).

شبکه‌ای شدن سازمان نظامی و حرکت به سمت روش‌های سیرننتیکی، قصدیت جنگ را از نابودی کامل طرف مقابل به اصل آگاهی‌محور و پیچیده غافل‌گیری بازگردانده است. مغز متحرک تحلیل‌گر به صورت ارائه و عملیاتی شدن سیستم‌های عصبی در فرمان‌دهی نیروی نظامی، کنترل ارتباطات اطلاعاتی را به دست می‌گیرد. این فرایند مهم را که تحول اطلاعاتی جنگ محسوب می‌شود، فرماندهی کنترل رایانه‌ای ارتباطات و اطلاعات می‌نامند. از این‌رو سازمان‌دهی، برآورد نیرو، تحلیل، تفسیر و

برنامه‌ریزی رزمایش، دفاع، جنگ و... به صورت فلج کردن، ترساندن، فتح کردن و نابود کردن، بدون انقلاب جدید تکنولوژی اطلاعات در عرصه جنگ قابل طرح نیست.

جنگ اطلاعاتی در عصر بیوتکنولوژی، تسلیحات ژنتیکی نیز دارد. در ماه می ۱۹۸۶ بر اساس گزارشی که وزارت دفاع امریکا به کمیته تدارکات مجلس نمایندگان این کشور فرستاده است، به این نکته اشاره شد که فن آوری DNA نو ترکیب و دیگر فن‌آوری‌های موجود در عرصه ژنتیک، نهایتاً جنگ میکروبی را به یک گزینه مؤثر نظامی تبدیل می‌کند. سموم قوی که پیش از این تنها به مقدار اندکی موجود بود و تنها به کمک جداسازی از مقادیر عظیم مواد بیوتکنولوژی قابل دستیابی بود، اکنون در اثر پیشرفت‌های اطلاعاتی ژنتیکی در مقادیر عظیم صنعتی تولید می‌شود (ریفکین، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

مهندسی ژنتیک می‌تواند برای از میان برداشتن گونه‌ها یا نژادهای خاصی از گیاهان کشاورزی و حیوانات اهلی - در صورتی که هدف، فلج کردن اقتصاد یک کشور باشد - به کار رود (همان: ۱۷۵). حال این نکته را در نظر آورید که سلاح‌های ژنتیکی، ارزان‌تر و قابل دسترس‌تر از سلاح‌های هسته‌ای‌اند و بر همین اساس بود که وزارت دفاع امریکا در زمان ریگان، با این بیان که شوروی در حال تهیه تهاجم میکروبی است، به سمت پر کردن شکاف ژنی حرکت کرد تا دفاع میکروبی مناسبی را تدارک بیند. در سال ۱۹۸۱، بودجه پنتاگون برای این کار، ده میلیون دلار بود که در سال ۱۹۸۶ به نود میلیون دلار رسید. هر دو حمله به عراق نیز یکی از بهانه‌های همین سلاح‌ها بود که به عنوان مثال گفته می‌شد: هر موشک اسکاد عراق می‌تواند ۴۲۰ پوند از هاگ‌های بیماری سیاه‌زخم را منتشر کند که برای کشتن شش میلیون نفر کافی است. بعد از این بود که نام هفده کشور از جمله عراق، سوریه، کره شمالی، لیبی، تایوان، ایران، مصر، اسرائیل، لائوس، کوبا، بلغارستان، هند، کره جنوبی، چین، روسیه، آفریقای جنوبی و ویتنام، در فهرست کشورهای جای گرفت که در حال تحقیقات تسلیحات ژنتیکی میکروبی هستند (همان: ۱۷۹).

آنتونی گیدنز بر این باور است که در طرح نظریه دولت، نظارت گسترده و خشونت در نظر گرفته نشده است. به عقیده وی دولت‌ها از همان ابتدا اطلاعات محور بوده‌اند و با دنبال کردن تاریخ می‌توان اشکال جدید کنترل اطلاعاتی دولت را در عصر جهانی شدن نیز دنبال کرد (وبستر، ۱۳۸۰: ۱۲۶). دولت - ملت‌ها به دنبال جنگ شکل می‌گیرند و در این میان، تکنولوژی اطلاعات با جنگ ارتباط بسیار نزدیکی دارد (کسل، ۱۳۸۳: ۳۷۸).

اقداماتی که همه دولت - ملت‌ها در قالب نظارت درونی و کنترل سراسری بین جامعه (همچون مباحث زندان فوکو) انجام می‌دهند (وبستر، ۱۳۸۰: ۱۴۵) و ماهواره‌های نظامی، جغرافیایی و اطلاعاتی در آرام‌سازی داخلی و اثرگذاری خارجی، امکانات کنترلی را در منطق ریاضیات کاربردی شکل داده‌اند. این اطلاعاتی شدن سوداگرانه و شرکتی شدن جامعه بر بنیادهای ماشینی به سمت توجیه‌سازی اطلاعاتی جامعه در حرکت است و به نحو گسترده و پیچیده در حال انجام است. رسانه‌ها با داشتن قابلیت‌های جدید اطلاعاتی می‌توانند در این حوزه به خدمت گرفته شوند. یکی از موضوعات مطرح در این حوزه، جنگ روانی است. جنگ روانی نوعی قدرت نرم است که در قالب رسانه‌ها، سایت‌ها، بازی‌های کامپیوتری و فضاهای چندرسانه‌ای ایجاد می‌شود و عموماً از تکنیک‌های زیر استفاده می‌کند:

سانسور^۱، تحریف^۲، ساختن یک یا چند دشمن فرضی^۳، پاره حقیقت‌گویی^۴، محک زدن^۵، ادعا به جای حقیقت^۶، اغراق^۷، تفرقه^۸، ترور شخصیت^۹، شایعه^{۱۰} (داوری، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۵۰).

ب) دولت الکترونیک^{۱۱}

«هرگاه خدمات و اطلاعات دولتی از طریق اینترنت یا سایر رسانه‌های الکترونیکی به صورت ساختاری، غیر سلسله‌مراتبی، غیر خطی و دوطرفه به صورت بیست و چهار ساعته و در هفت روز هفته ارائه گردد، دولت الکترونیک ایجاد شده است. دولت الکترونیک به معنای استفاده دولتی از شبکه گسترده جهانی، با هدف ارائه خدمات به شهروندان و برقراری امکان تعادل الکترونیکی شهروندان با سازمان‌ها در سطوح مختلف

1. Censorship
2. Distortion
3. To Make A Supposed Enemy
4. To Resale Apart Of Truth
5. To Test For Confirm
6. Pretense Instead Of Truth
7. Hyperbole
8. Division
9. Terror
10. Rumor
11. E Government

۷۴ / پژوهش سیاست نظری، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳
 دولت از طریق اینترنت، پست الکترونیکی، ویدئو کنفرانس و سایر روش‌های دیجیتالی
 به کار رفته است» (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۱۶). در مورد مقایسه دو الگوی سنتی بوروکراتیک و
 الگوی دولت الکترونیک می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۲- مقایسه دو الگوی سنتی و جدید دولت

الگوی سنتی بروکراتیک	الگوی دولت الکترونیک	
کارایی هزینه تولید	رضایت کاربر، کنترل و انعطاف‌پذیری	جهت‌گیری
عقلانیت وظیفه‌ای، بخش‌بندی، سلسله‌مراتب عمودی کنترل	سلسله‌مراتب افقی، سازمان شبکه‌ای، تسهیم اطلاعات	سازمان‌دهی فرایند تولید
مدیریت بر مبنای قانون و بخش‌نامه	مدیریت منعطف کار تیمی بین واحدی با هماهنگی مرکزی	اصول مدیریت
دستوری و تأکید بر کنترل	آسان‌گیر، تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده کارآفرینی خلاق	سیک رهبری
بالا و پایین، سلسله‌مراتبی	شبکه چندجهته با هماهنگی مرکزی، ارتباطات مستقیم	ارتباطات درونی
متمرکز، رسمی، کانال‌های محدود	رسمی و غیر رسمی، بازخورد مستقیم و سریع، کانال‌های چندجانبه	ارتباطات بیرونی
ارائه مستند خدمات، تعامل میان فردی	ارتباط الکترونیکی، عدم تعامل چهره به چهره	نحوه ارائه خدمات
اصول و ارائه خدمات	کاربر پسند	اصول و ارائه خدمات

(منبع: یعقوبی، ۱۳۸۶: ۳۴)

دولت الکترونیک، گونه‌ای منسجم و کارآمد از ارتباط شهروندان با سیاست‌مداران در ارتباط ارائه خدمات و پیگیری مطالبات به نحوی بسیار شفاف است. در این سیستم، ارتباطات چهره به چهره و مبتنی بر محدودیت‌های مکانی و زمانی حذف می‌شود. شکل‌گیری دولت الکترونیک، زیرساخت‌های زیادی می‌طلبد که خود را در جامعه اطلاعاتی بروز می‌دهد. سیستم‌های خبراتی پیشرفته و دامنه وسیع دسترسی شهروندان به کامپیوتر و اینترنت و از همه مهم‌تر کاربران اطلاعاتی، می‌توانند زمینه‌ساز تحقق دولت

الکترونیک باشند. ویژگی تکنولوژی‌های اطلاعاتی از جمله تعاملی بودن، جمع‌زدایی، ناهمزمانی، تمرکززدایی، ظرفیت بیشتر و انعطاف‌پذیری، بستری را به وجود می‌آورد که مدیریت بخش عمومی را به استفاده از این ویژگی‌ها در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در اداره عمومی وامی‌دارد (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۷۳).

دولت الکترونیک سبب می‌شود کارآیی عملیاتی دولت در چهار مورد یعنی افزایش بهره‌وری، کاهش نیروی کار، کنترل مدیریت فرایندها و کارکنان و صرفه‌جویی در زمان مورد توجه قرار گیرد. در مورد اثربخشی مدیریت دولت الکترونیک می‌توان به سه شاخص بهبود فرایند تصمیم، بهبود برنامه‌ریزی و بهبود کالاهای و خدمات اشاره کرد (همان: ۵۸).

مدل قدیم سیاست‌گذاری در قالب مباحث مدیریت دولتی و سامانه‌های نوع آرمانی بروکراتیک تعریف می‌شد. اما با به وجود آمدن فضای جدید، متکثر و پاسخ‌گویی قدرت سیاسی در عصر اطلاعات، می‌توان میان مدیریت عمومی و خطومشی‌گذاری از یکسو و سیاست‌گذاری و حکمرانی از سوی دیگر، تمایز ایجاد کرد. حکمرانی خوب در پیوند با ساختار آگاهی‌محور و تمرکززدایانه مبتنی بر شهروندان اطلاعاتی و سیاست‌مداران خبره معنی پیدا می‌کند. تصمیمات اتخاذ شده برای عرصه عمومی، مورد نقد و بررسی و بازخورد قرار می‌گیرد و شهروندان در امر سیاسی، دقت و مشارکت مستقیم دارند. از سوی دیگر بروکرات‌ها از حالت سنتی، قانونی و خشک بیرون آمده و با افزایش حیطه فضاهای مجازی و سایبر، خلاقیت و حتی اخلاق را مبتنی بر ویژگی‌های محلی هر منطقه پیاده می‌کنند. سیاست‌گذار تنها مدیر اجرایی نیست، بلکه علاوه بر اجراء، در فرایند خطومشی‌گذاری برای عموم نیز مشارکت دارد. این شیوه مدیریت عمومی جامعه بعد از مفاهیم دولت رفاهی و سیاست خودجوش محافظه‌کار، اخیراً به مفهوم حکمرانی خوب مطرح شده است (همان: ۳۸).

در نمودار زیر، شکل پیشرفته دولت الکترونیک به همراه پیش فرض‌های آن آمده است:



شکل ۲- دولت الکترونیک با سامانه جامع اطلاعات سایبری

- همه این مراکز ارائه‌دهنده خدمات و برنامه‌ریزی سیاسی و عمومی با یکدیگر ارتباط دارند.
- فرد با داشتن یک کد اطلاعاتی ژنتیکی ثابت در مرکز این دولت رفاهی بسیار منضبط قرار می‌گیرد.
- زبان قابل فهم و مناسب برنامه‌ریزی و کاربردی همه خرده‌نظام‌ها، ریاضیات است.
- دایره کم و بیشی از اعداد با کمی کردن همه روابط انسانی مبتنی بر یک نوسان کنترلی بر استانداردهای عددی، فرد را در همه زمینه‌ها هدایت و فایده‌مند می‌کند.
- تمام این سامانه‌ها که دارای یک زبان مشترک و کدهای اطلاعاتی قابل فهم و تحلیل برای یکدیگر هستند، یک ساختار را شکل داده‌اند (heeks, 1999: 49-74).

پ) جامعه مدنی اطلاعاتی^۱

جامعه مدنی به تعریف «پیتر دالگرن» از لحاظ نهادین، مرکب از عناصر زیر است:

- گستره خصوصی (به‌ویژه نهاد خانواده)
- گستره تشکلهای (به‌ویژه تشکلهای داوطلبانه)
- جنبش اجتماعی (با تأکید بر اهمیت سیاسی آنها)
- شکل‌های متعدد ارتباطات عمومی (دالگرن، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

در سیاست عصر اطلاعات، امکانات لازم برای سیاست‌ورزی عمل‌گرایانه مستقیم شهروندی، بر مبنای احساس تعهد سیاسی نسبت به موضوعات قدرت‌سازنده ایجاد می‌شود (هابز) و قدرت سلبی مقاومتی (لاک) شکل گرفته است. رسانه، ماهواره و اینترنت، فضای سایبری را به وجود آورده است که در آن، پتانسیل‌های مثبت دموکراسی از قالب سنتی خود خارج شده است (Mazarr, 2002: 8). این فرایند به ایجاد فضای دموکراسی دیجیتال به صورت شهروندان توانمند و مشارکت مستقیم در امر سیاست کمک کرده است (کوهن، ۱۳۸۳: ۵۹؛ کین، ۱۳۸۳: ۱۶۸ و مور، ۱۳۸۳: ۹۰).

میشل مازار می‌گوید: «با وقوع انقلاب اطلاعات گروه‌های ریز ملی فعال شده و فرایند دموکرات شدن شتاب می‌یابد و گسترش اینترنت را به تشدید روند جهانی شدن پیوند می‌زند» (Mazarr, 2002: 3-5). تکنولوژی اطلاعات، امکانات وسیعی را برای دموکراسی، جامعه مدنی و مشارکت مستقیم شهروندان در جهت ایجاد کنش ارتباطی برای خلق الگوهای تعاملی گفتمانی فراهم کرد (کین، ۱۳۸۳: ۱۹۰)؛ امکان‌هایی که در مباحث دفاع از تجدد هابرماس و دموکراسی مستقیم عمل‌گرای آرنست فرام نبود و آنها را غیر عملی می‌کرد (هابرماس، ۱۳۸۶: ۴۰-۵۰).

اندیشه‌های عمل‌گرایانه لیبرال آرنست، اکنون کارایی آن را دارد تا در پرتو شرایط به وجود آمده، از قبیل شبکه‌های جهانی طرفداران حقوق زنان، وبسایت‌های سیاسی گوناگون فرومی، ملی و فراملی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل الکترونیکی، دموکراسی‌های شبکه‌ای و مستقیم، دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های الکترونیکی و مجازی و... که سیاست را عمومی، آزاد، دم‌دستی و شفاف کرده‌اند، نگاهی خوش‌بین و کارا به این عرصه

1. Information Civil Society

بیندازد و با آن بتواند یک تحلیل فلسفی و عمیق از غایت، مشروعیت، سرشت قدرت و... در منطق تکنولوژی اطلاعات و سیاست ارائه کند. به عنوان مثال، «رینگولد» در کتاب مشهورش «اجتماع مجازی»، به ارتباطات کامپیوتری به عنوان گفت‌وگوهایی اشاره می‌کند که در مکان اجتماعی و شناختی صورت می‌گیرد تا مکان جغرافیایی. گفت‌وگوی اینترنتی، فرصتی برابر و متساوی به همه کنشگران عرصه سیاسی می‌دهد و با توجه به نبود فیزیکی‌شان، آنچه اهمیت دارد صدا و اندیشه است و دموکراسی که در این فضای تفهمی و مشارکتی فعال شکل می‌گیرد، ماهیت نرم، مستقیم و حداکثری را دارد. نظرها و صداها، امکان دستیابی به حقیقت را هموارتر می‌کنند (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۳۳). پس مشارکتی بودن، باز بودن و عمومی بودن اینترنت می‌تواند فضاهای عمومی بی‌شماری را احیا کند.

برخی نیز رابطه آثار آرنست با تکنولوژی اطلاعات و دموکراسی مشورتی مستقیم را دریافته‌اند و می‌گویند: هانا آرنست در کتاب «میان گذشته و آینده»، به بررسی قرابت و خویشاوندی هنرهای نمایشی با سیاست می‌پردازد. به نظر وی، هنرهای نمایشی خویشاوندی نزدیکی با سیاست دارد؛ در هنرهای اجرایی، رقاصان، بازیگران و نوازندگان به پیام‌گیرانی نیاز دارند تا هنروری‌شان را بنمایانند. به همین سان، عمل‌کنندگان نیز به حضور دیگران نیاز دارند، قبل از اینکه اصلاً بتوانند ظاهر شوند. هر دو، یعنی سیاست و هنر به فضای سازمان‌یافته‌ای برای کارشان نیاز دارند (همان: ۳۳۴).

بحث دیگر آرنست، فضای جریان تداومی بازخورد اندیشه‌ها از راه گفت‌وگو در یک فرایند هویت‌یابی آزادانه و عمل‌گرایانه در عرصه برابر سیاسی است. او در نوشتار حقیقت و سیاست می‌گوید: «اندیشه سیاسی باز نمودی است... هر چه در هنگام تفکر درباره امر معین، دیدگاه‌های افراد بیشتری در ذهن من حاضر باشد و من بهتر بتوانم تصور کنم که اگر جای آنان بودم چگونه احساس و فکر می‌کردم، ظرفیت من برای اندیشیدن، برای نمایندگی قوی‌تر خواهد بود و نتیجه‌گیری نهایی و عقیده من معتبرتر خواهد بود» (همان: ۳۳۴).

«نیک استیونسون» با اشاره به دیدگاه مک لوهان، دموکراسی عصر آینده را با توجه به پیاده شدن تکنولوژی اطلاعات گونه‌ای از دموکراسی مستقیم به سبک آتنی می‌داند

که در آن شهروندان تنها محصور در دولت‌های ملی نیستند و می‌توانند دموکراسی مستقیم جهانی را تجربه کنند (Stevenson, 2001: 67).

برخی از نحل‌های سنت تحلیلی انگلوساکسونی، خطر پسامدرن‌ها را جدی گرفتند و با تواضع و خویش‌داری سعی کردند محتاط، آرام و محافظه‌کارانه به آنان نزدیک شوند، اندیشه‌شان را رام کنند و در خدمت عقلانیت خویش قرار دهند. آنها می‌گویند شاید این غوغا و گرد و غبار بلند شده از تفکر پسامدرن، فواید، امکانات و فرصت‌هایی را به لحاظ عملی و اندیشگانی در خدمت مدرنیته و عقلانیت غربی قرار دهد. با این پیش‌فرض، آنان هرج و مرج، آشوب، نسبیت، پوچ‌گرایی و... روایت آنان را جدی می‌گیرند، اما از خاکستری چنین هولناک، مفاهیم فردگرایی، تکثر، مدارا، تساهل و عمل‌گرایی بیرون می‌کشند؛ مگر نه اینکه کانت، پیامبر روشنگری مدرنیته از خاکستر شکاکیت ویرانگر هیوم علیه تجربه‌گرایی، توانست منطق جدید تفکر انسان‌محور را بیرون بکشد؛ در اینجا در قرن اطلاعات نیز ما شاهد چنین تلاشی با مقتضیات خود هستیم.

«گیبینز» و «ریمر» در کتاب «سیاست پست‌مدرنیته»، به ابعاد فرایند رسانه‌ای شدن در جهان اطراف ما پرداخته‌اند. از نظر آنها در امریکا، دیگر مردم علاقه‌ای به خواندن روزنامه‌ها ندارند و به جای آن عمدتاً از رسانه‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند. دسترسی آسان و همچنین شباهت به واقعیت، از دلایل استفاده از این رسانه‌هاست. به قول «مایرو ویتز»: تلویزیون تنها رسانه‌ای است که کدها و رمزهای آن را هر کسی حتی کودکان می‌توانند به راحتی بفهمند. تکنولوژی اطلاعات و فرهنگ رسانه‌ای، مردم را با تحولات و دغدغه‌های فراملی آشنا می‌کند (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۷۰-۷۳). پس فرهنگ تکنولوژی اطلاعات، رسانه‌ها و اینترنت، بسیار به دموکراسی نزدیک است و امروزه با توجه به بحران‌های شدید دموکراسی، به سختی می‌توان از دموکراسی و حوزه عمومی بدون تکنولوژی اطلاعات نام برد.

«ریچارد رورتی» نیز همین تحول اندیشگانی را درک و جذب نمود. او می‌گوید که دموکراسی‌های مدرن بر اساس فهم‌های سنتی از مشروعیت، دیگر قابل توجیه نیست (رورتی، ۱۳۸۵: ۵۹۹). متافیزیک غرب با نیچه و فهم‌های جدید ضد علیت، طرفدار همبستگی کم‌رنگ شده است (همان: ۶۰۳). از سوی دیگر، همین نقادی‌ها، امکان جدیدی

را جهت تداوم دموکراسی و اندیشهٔ مردمی فراهم کرده است. نسبی‌گرایی، منفی‌نیست، بلکه می‌خواهد به عکس، جهت پوچ خود را در جهت نوعی همبستگی ضد قومی - نژادی مبتنی بر گفت‌وگو به کار برد (رورتی، ۱۳۸۵: ۶۰۰).

مردم حاکم می‌شوند و فیلسوفان و اندیشمندان ساکت، تا خود فردانیت‌ها بر بستری از آگاهی و شعور جدید خلق شده و اخلاق جهانی متکثر در فضای مملو از مفاهیمی برای حاکم کردن ناخودآگاهی که دارای منطق خودجوش است، وارد عمل شود. دموکراسی‌های شبکه‌ای و مجازی و ارتباطات سیاسی ملی، نهادی و مقاومتی، آن‌قدر شیوع پیدا کرده است که دیگر دموکراسی نیاز به فلسفه نداشته باشد. فلسفه حتی اگر آخرین توان خویش را نیز بگذارد، دیگر جایگاه سابقش را نخواهد یافت.

جان کین در کتاب «حیات عمومی و سرمایه‌داری متأخر»، به نقد هابرماس می‌پردازد و می‌گوید: «دموکراسی را نباید شکلی از زندگی دانست که از اصول هنجاری بنیادین تأثیر می‌پذیرد. منش سقراط‌گرایی و فلسفهٔ زبانی جهان‌شمول که همه چیز را می‌داند، همه مخالفان خود را از میدان به در می‌کند. دموکراسی بیش از فلسفه، به پلورالیسمی نیاز دارد که رسانه‌ها و عرصه باز عمومی برای آن فراهم می‌کند» (کین، ۱۳۸۳: ۹۷).

اکنون به جامعهٔ مدنی جهانی و جنبش‌های جدید در عصر اطلاعات می‌پردازیم. بنا بر تحلیل «آیرمن» و «جیمسون»، ساختار نامنسجم اینترنت، این امکان را برای جنبش‌های نوین اجتماعی فراهم می‌سازد تا به فرایندهایی در حال شکل‌گیری که محصول یک رشته برخوردهای اجتماعی است، تبدیل شوند. خدمات خبری و اطلاعاتی سنتی برای اهداف آنها مناسب نیستند (سالتر، ۱۳۸۳: ۱۴۲). «جوزف لیک‌کیدر» می‌نویسد: رایانه به عنوان یک وسیلهٔ ارتباطی، اهمیت همکاری در توسعه را افزایش داده است؛ زیرا اجتماع انسان‌ها نسبت به مدل‌سازی، یک ذهن واحد بی‌اعتماد است (همان: ۱۴۳).

علاوه بر این، در این زمینه می‌توان به نظرات کاستلز اشاره کرد. کاستلز، تقویت و گسترش جنبش‌های جدید و بهره‌مندی از امکانات تکنولوژی اطلاعات در جهت عضوگیری و مشارکت در امر سیاسی به نحو انتقادی را (همانند جنبش زنان، سبزه‌ها، همجنس‌گرایان و گروه‌های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی) چنین ترسیم می‌کند: تکنولوژی اطلاعات در عصر جدید به شکل‌گیری نوعی مقاومت سیاسی در مخالفت با

سراسری بودن هویت‌های یکنواخت و آرمان‌شهرها و استانداردهای یکدست، کمک کرده است. مقاومت هویت‌های طالب معنا در جامعه شبکه‌ای، اینگونه اهداف را دنبال می‌کند. آنها از یکسو با تمسخر و تردید یا به حاشیه رفته‌اند و یا نمایشگاه خارق‌العاده‌های جهانی شدند. اما از سوی دیگر با امکانات تکنولوژی اطلاعات و قدرت درونی خویش، برای به رسمیت شناخته شدن تلاش می‌کنند. کاستلز از حرکت‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای و ملی نام می‌برد که طرفداران نوعی بهشت مشترک در مرزهای گوناگون مغایر با وضع فعلی‌اند (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۲-۲۹).

او سپس به گروه‌هایی اشاره می‌کند که علیه نظم نوین جهانی اعتراض دارند، اما به نحو کاملی از امکانات آن بهره می‌گیرند. گروه اول، زاپاتیستاها، مکزیک هستند که کاستلز از آنان جانب‌داری شدیدی می‌کند. او می‌گوید: زاپاتیستاها، اولین گروه چریکی عصر اطلاعات‌اند که بر علیه نفتا و شرکت‌های بزرگ خریدار نفت امریکای لاتین قیام کردند. آنها از پیوند سه اندیشه عدالت‌رهایی‌بخش کاتولیک، چپ مائویست دهقانی و سرخ‌پوستان ضد امپریالیسم شکل گرفتند و با استفاده از درگیری‌ها و فرارها و همزمان پوشش مناسب و سریع خبری به همراه تهدید، گروگان‌گیری و... توانستند افکار عمومی داخلی، محافل جهانی و افکار جهانی را با خود همراه کنند و خواسته‌هایشان را بر دولت خویش تحمیل نمایند، ظلم و ستم وارده بر کشاورزان و دهقانان مکزیک را با کامپیوترها و اینترنت خبررسانی کنند. آنها با تعویض جا و مکان خویش از کمترین نیرو و هزینه با پشتوانه تفکر و دانش استراتژی اطلاعاتی خویش بهره‌مند شدند (همان: ۱۰۱-۱۱۱ و O'Neil, 2002: 48).

گروه دوم، میلیشیای وطن‌پرست امریکا هستند که علیه فدرالیسم، جهانی شدن، فمینیست‌ها و سرمایه‌داران فعالیت می‌کنند و انجمن بنیادگرایان ملی‌گرای سنتی از آنها حمایت می‌کنند. کاستلز می‌گوید: این ملی‌گرایان امریکایی متعصب حتی از طرفداران محیط‌زیست و جنبش صلح نیز نفرت دارند و با امکانات تکنولوژی اطلاعاتی، آنها را تهدید می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۱۷-۱۲۶).

نهضت آخر، راهبان ائوم شیزوکوی ژاپنی هستند که اندیشه‌های عرفان التقاطی علیه نظم تکراری و پدرسالارانه، مذهب ژاپن و نظم نوین جهانی دارند و با تبلیغات، شرکت در انتخابات، عضوگیری و حتی بمب‌گذاری در متروها، اهداف خود را دنبال می‌کنند

۸۲ / پژوهش سیاست نظری، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

(کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳۰-۱۳۷). مقاومت سوم مربوط به نهضت سبزهاست که کاستلز همان اطلاعات قدیمی و کلاسیک را به طور خلاصه ارائه می‌کند و پیوند آنها با صلح‌گرایان در عصر جدید و شیوه‌های اعتراض مجازی و آگاهی‌دادن‌های گسترده حیات‌باورانه‌شان را می‌توان نام برد (همان: ۱۴۸-۱۷۲).

اما شورانگیزترین بخش آثار کاستلز در مورد قیام‌کنندگان علیه پدرسالاری است. تکنولوژی اطلاعات و عصر جدید، امکانات خارق‌العاده‌ای در اختیار زنان گذارده است. تکنولوژی‌های تولید مثل، تکنولوژی اطلاعات و نهضت فمینیستی با درهم‌تنیدگی زیاد و تغییر نگاه‌ها و کارکردهای نابرابرانه و ظالمانه‌ی برخورداران از پدرسالاری، خانواده و جنسیت چنان پیش می‌روند که ما شاهد پایان پدرسالاری در هزاره‌ی جدید هستیم. البته کاستلز در تمام نوشته‌هایش، دغدغه‌ی این بحث را دارد؛ خصوصاً در جنوب شرقی آسیا که زمانی جنبش همجنس‌گرایان آنها را در مقابل همجنس‌گرایان آمریکا قرار می‌دهد و یکی از دلایل نقادی او از ژاپن این است که سنت‌گرایی و پدرسالاری آن، مانع رشد این نهضت‌هاست (همان: ۱۷۹-۲۸۸).

ت) دیپلماسی دیجیتالی^۱

دیپلماسی سنتی، نوعی نظام مکانیکی و روابط نیوتونی سخت قدرت بود که بازیگران اصلی آن یعنی دولت - ملت‌ها با مقامات رسمی محدود و قوانین سخت به همراه روابط چهره به چهره از طریق سفارت‌خانه‌ها مبادرت به انجام آن می‌کردند. سیاست‌مداران از ابزار نظامی اقتصادی و سخت‌افزاری قدرت برای رسیدن به اهداف مشخص اقدام می‌ورزیدند (بیات، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۲). با به وجود آمدن انقلاب اطلاعاتی به گفته‌ی جوزف نای، عرصه‌ی روابط بین‌المللی، شکل قدرت نرم به خود گرفت (همان: ۲۳). فن و هنر اثرگذاری نهادهای ملی، فراملی و فروملی به سبک ایده و سازه‌های هویتی بر یکدیگر، در دموکراسی دیجیتالی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت (همان: ۳۷).

تیموتی لاک می‌گوید: در دیپلماسی دیجیتالی، نقش قدرت‌ها کم‌رنگ‌تر شده و روابط بین‌الملل در محیطی کوانتومی و فضایی پویا و پیچیده با اغواگری‌های اخلاقی قرار می‌گیرند. «کنیچی اوهمای» (۱۹۹۰) در کتاب معروف خود به نام «جهان بدون

1. Digital Diplomacy

مرز^۱ از پایان دولت - ملت‌ها می‌نویسد. او که به گونه‌ای افراطی طرفدار جهانی شدن است (سلیمی، ۱۳۸۴: ۷۹)، با اشاره به کشورهای مثل امریکا، ژاپن، اروپا، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ استدلال می‌کند که نقش بروکرات‌ها، سیاست‌مداران و نظامیان کم شده است (همان: ۸۱). از نظر وی اکنون به مشروعیت و جایگاه جدیدی از شهروندی دست خواهیم یافت که در آن، سیاست حکومت‌ها و دستیابی به جریان آزاد اطلاعات، پول، کالا، محصولات و... خواهد بود، همانند: مهاجرت آزاد مردم و جابه‌جایی آزاد شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی به سوی درک ملزومات و شرایط جدید اقتصاد جهانی (Ohmae, 1990: x11.x111).

مرزهای جدید در جریان فعالیت‌های صنعتی، کم‌رنگ و حذف می‌شوند و قدرت از حالت جنگ‌افزایی به اطلاعاتی تبدیل می‌شود (Ohmae, 2002: 193). دولت - ملت‌ها برای سازمان‌دهی فعالیت انسانی و اداره تلاش‌های اقتصادی در یک جهان بدون مرز به واحدهای غیرطبیعی، معلول و ناکارآمد تبدیل می‌شوند (Ohmae, 1990: 3). البته اوهمای با این دیدگاه، خود به نقد دموکراسی‌های امریکا و ژاپن، خصوصاً نظامی‌گری امریکا می‌پردازد (Ohmae, 2002: 9-16).

کاستلز با شور و شوق از کم‌رنگ شدن دولت - ملت‌ها و گسترش زوال آنها می‌گوید: «در پایان این هزاره، شاه و ملکه یعنی دولت و جامعه مدنی، هر دو بی‌تخت و کلاه‌اند و فرزندان شهروندان آنها آواره یتیم‌خانه‌ها شده‌اند» (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۲۶). او سپس این بحث را پیش می‌کشد که اساس مدرنیته سیاسی بر مبنای دولت و تعلق خاطر به سرزمینی بود که در شکل لویاتانی ضعیف یا قوی، کوچک یا بزرگ به تأمین رفاه و سعادت شهروندان خود می‌پرداخت؛ اما اکنون «دولت‌ها باید چشم‌بسته، تیری در تاریکی رها کنند و این احتمال را بپذیرند که شاید به خود شلیک کرده باشند» (همان: ۳۱).

«ژان ماری گنو» در مورد این جغرافیای جدید جهانی به اهمیت تکنولوژی اطلاعات اشاره می‌کند. او می‌گوید اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ باعث شد علوم و فنون از انحصار کلیسا و طبقات قدرتمند بیرون آید. اما انقلاب تکنولوژی اطلاعات، به در هم شکستن مرزهای جغرافیا و قلمروهای اقتدار کمک بسیاری کرد (بیات، ۱۳۸۵: ۶۰). اکنون

دیپلمات‌ها از طریق اینترنت به تعاملات شبکه‌ای و مدیریت تصاویر روی آورده‌اند. تله دیپلماسی منجر به توانایی پاسخ‌گویی سریع به جریان شتابندهٔ اتفاقات است. ابتکار این نوع دیپلماسی توسط مؤسسه صلح آمریکا در سال ۱۹۹۵ آغاز شد که دو هدف عمده را مد نظر قرار داشت؛ اول ایجاد توانمندی در شکل دادن به سفارت‌خانه‌های مجازی که چیزی بیشتر از یک رایانه، یک مودم و یک تلفن ماهواره‌ای در اتاق هتل نیست. دوم، ایجاد نوعی نمایندگی مجازی از طریق گسترش تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در بین وزارت‌خانهٔ کشور و نمایندگی‌های مستقر در خارج (بیات، ۱۳۸۵: ۴۷).

با افزایش ارتباطات رسانه‌ای، تصویری، فردی، سازمانی و از همه مهم‌تر سیاسی، مذاکره، آشنایی و تفهم بین‌المللی افزایش می‌یابد و جهان، صورت‌های روابط بین‌الملل بدون جنگ را بیشتر تجربه می‌کند. به گفتهٔ جیمز روزنا، عصر اطلاعات، جامعهٔ پسا صنعتی، انقلاب میکروالکترونیک‌ها و در یک کلام تکنولوژی اطلاعات، جوامع محلی، ملی و بین‌المللی را چنان به هم نزدیک و وابسته کرده است که در گذشته اصلاً سابقه نداشته است (روزنا، ۱۳۸۳: ۳۹). این فرایند سبب شده که در سطوح گوناگون سیاسی خصوصاً عرصهٔ حساس و استراتژی روابط کشورها، با نوعی کنترل ستیزها مواجه باشیم. به عنوان مثال، روزنا از افزایش چشمگیر کنفرانس‌های رایانه‌ای^۱ در سطح بین‌الملل (همان: ۴۳۷-۴۳۸) و دیپلماسی‌های دیجیتالی نام می‌برد که باعث افزایش صلح شده است. پس می‌توان گفت دیپلماسی دیجیتالی عبارت است از اثرگذاری، اقناع و انگیزش بازیگران با جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و توزیع اطلاعات در زمان مناسب، بدون محدودیت مکانی از طریق تکنولوژی اطلاعات در جهت منافع ملی (بیات، ۱۳۸۵: ۵۲).

«مک کورمیک» می‌گوید: «شبکه‌ای شدن جامعهٔ بین‌الملل باعث می‌شود هویت‌های به حاشیه رفته که زمانی برای پاسداشت هویت خود سرکوب می‌شدند و یا منطق خشونت را دنبال می‌کردند، اکنون فرصت می‌یابند که از آرمان‌های خود با محوریت گفت‌وگو و اندیشه دفاع کنند، که این خود نوعی پیشرفت برای صلح بین‌الملل و جلوگیری از نسل‌کشی‌ها محسوب می‌شود» (McCormick, 2002: 22).

با توجه به همین امر است که تحلیل‌گران عرصهٔ اطلاعات، گسترش تلویزیون را با

1. Computer conferencing

مدرنیته و ملی‌گرایی همراه می‌دانند. اما همه‌گیر شدن ماهواره و اینترنت را تمکن بسیار قوی برای عصر پسامدرن، فرایند جهانی شدن و گسترش حقوق بشر در عرصه روابط بین‌الملل تحلیل می‌کنند (سلیمی، ۱۳۷۹: ۳۷۹ - ۳۹۵).

نتیجه‌گیری

بسیاری از حوزه‌های عملی و اندیشه‌ای روابط انسانی در آستانه قرن بیست و یکم، تحت تأثیر انقلاب تکنولوژی، چندبعدی و دچار پیچیدگی شده است. این تغییرات در زمینه فلسفه، علم و تمدن، به مطرح شدن بسیاری از پساها انجامیده است. سیاست نیز از دگردیسی‌ها به دور نمانده است.

هر چه نگاه تحلیل سیاسی، نهادینه‌تر و واقع‌گراتر باشد، بیشتر به سمت توزیع ارزش‌ها و اقتصاد معاش‌محور و تأمین نظم و امنیت از زاویه‌ای کاملاً محاسبه‌ای و عددی گرایش می‌یابد. این زاویه‌دید، نمود سیاست را در دولت، جنگ، دیپلماسی و جامعه مدنی ترسیم می‌کند. تکنولوژی اطلاعات خود شکل نرم و پیچیده چندبعدی پیشرفت تاریخ فکر و عمل انسان‌ها است که از آن به عنوان انقلاب اطلاعاتی نام می‌برند. در این مقاله سعی شد رابطه کارآمد این دو از زاویه‌ای کاملاً مبنادار و فلسفی و سپس درون‌متنی بررسی شود و از زاویه‌ای خوش‌بینانه، امکان‌های تکنولوژی اطلاعات برای زندگی مطلوب سیاسی تحلیل گردد.

در این مقاله با بررسی مفاهیم تکنولوژی اطلاعات و سیاست، به کاوش در مبانی فلسفی تکنولوژی اطلاعات پرداخته، تحولاتی تکنولوژیک را که به کارآمدی در عرصه سیاسی انجامیده، بازنمایی کردیم. با تعریفی که از سیاست مطرح شد، این نتایج کارآمد این تحولات را در چهار حوزه دنبال کردیم. جنگ به عنوان یکی از چهره‌های اصلی سیاست، امروزه در پیوند شدید تکنولوژی اطلاعات گرفته و به شکل قابل توجهی دیگرگون شده است. دولت الکترونیک به معنای استفاده دولتی از شبکه گسترده جهانی با هدف کارایی بیشتر، کمک‌های فراوانی به دولت‌ها در قسمت خدمت‌رسانی کرده است. جامعه مدنی در عصر اطلاعات با دستیابی به فضای سایبری دموکراتیک، بسیاری از آرمان‌های تحقق‌نیافتنی در گذشته را تحقق داده است و در حوزه روابط بین دولت‌ها، تکنولوژی اطلاعات نیز با ایجاد دستاوردهای بسیاری همچون تله دیپلماسی، پیشروی چشمگیری در جهت تحقق منافع ملی شکل داده است.

منابع

- اللهی، شعبان و علی رجبزاده (۱۳۸۲) سیستم‌های خبره، الگوی هوشمند تصمیم‌گیری، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- انصاری، منصور (۱۳۸۴) «چالش‌ها و فرصت‌های فراروی گذار به دموکراسی»، در گذار به دموکراسی، حسین بشیریه، تهران، نگاه معاصر.
- بل، دانیل (۱۳۸۲) آینده تکنولوژی، ترجمه احد علی‌قلیان، تهران، وزارت امور خارجه.
- (۱۳۸۵) «فرارسیدن جامعه‌پاسا صنعتی»، ترجمه محمد شکری، در: لارنس کهن، متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست‌مدرن، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نی.
- بیات، محمود (۱۳۸۵) دیپلماسی دیجیتال، تهران، وزارت امور خارجه.
- پوپر، کارل (۱۳۸۴) اسطوره چارچوب، ترجمه علی پایا، تهران، طرح نو.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳) اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، مجموعه مقالات، سمت، دانشگاه علامه.
- حقیقی، شاهرخ (۱۳۸۰) گذار به مدرنیته، تهران، آگه.
- خالقی، احمد (۱۳۸۲) قدرت، زبان، زندگی روزمره، تهران، گام نو.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۲) پوزیتیویسم منطقی، تهران، علمی و فرهنگی.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۵) تلویزیون و گستره عمومی، ترجمه مهدی شفقتی، تهران، سروش.
- داوری، علیرضا (۱۳۸۶) در میان دو انقلاب، تهران، پلیکان.
- دکارت، رنه (۱۳۸۱) «گفتار در روش به کار بردن صحیح عقل»، در: سیر حکمت در اروپا، محمدعلی فروغی، تهران، زوار.
- رورتی، ریچارد (۱۳۸۵) «همبستگی یا عینیت»، ترجمه محمدرضا عضدانلو، در: از مدرنیته تا پست‌مدرنیسم، لارنس کهن، تهران، نی.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۳) آشوب در جهان سیاست، ترجمه علیرضا طیب، تهران، روزنه.
- ریفکین، جرمی (۱۳۸۲) قرن بیوتکنولوژی، ترجمه حسین داوری، تهران، کتاب صبح.
- سالتر، لی (۱۳۸۳) «دموکراسی، جنبش‌های نوین اجتماعی و اینترنت»، ترجمه پیروز ایزدی، در: فصلنامه رسانه، شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- سلدون، رمان و پیتر ویدسون (۱۳۸۴) راهنمای نظریه ادبی جدید، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- سلیمی، حسین (۱۳۷۹) جهانی شدن و حقوق بشر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- (۱۳۸۴) نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران، سمت.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۳) بنیادهای علم سیاست، تهران، نی.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۱) سیر حکمت در اروپا، جلد ۳، تهران، زوار.

- کارناپ، رودولف (۱۳۸۲) غلبه بر متافیزیک از طریق تحلیل منطقی زبان، در: پوزیتیویسم منطقی، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، علمی و فرهنگی.
- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، ترجمه علی‌قلیان، جلد ۱ و ۲، تهران، طرح نو.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳) چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ققنوس.
- کوهن، جین (۱۳۸۳) «حوزه عمومی، رسانه‌ها و جامعه مدنی»، ترجمه لیدا کاووسی، فصلنامه رسانه، شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- کین، جان (۱۳۸۳) «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی»، ترجمه اسماعیل یزدان پور در فصلنامه رسانه شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- گیبینز، جان آر بوریمر (۱۳۸۱) سیاست پست‌مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران، گام نو.
- لسناف، مایکل ایچ (۱۳۷۸) فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، کوچک.
- لیوتار، فرانسوا (۱۳۸۰) وضعیت پست‌مدرن، ترجمه حسینعلی نودری، تهران، گام نو.
- ماتیوز، اریک (۱۳۷۸) فلسفه فرانسه در قرن بیستم، ترجمه محسن حکیمی، تهران، ققنوس.
- مجتهدی، کریم (۱۳۸۵) دکارت و فلسفه او، تهران، امیرکبیر.
- محمدی، محمود (۱۳۸۵) نقش فن‌آوری اطلاعات در جنگ‌های آینده، جلد ۱، تهران، صنایع دفاع، مؤسسه عرفان.
- مور، ریچارد کی (۱۳۸۳) «دموکراسی و فضای سایبر»، ترجمه عبدالرضا زکوت روشن‌دل، فصلنامه رسانه، شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۳) «اینترنت و حوزه عمومی»، فصلنامه رسانه، شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- وبستر، فرانک (۱۳۸۰) نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، قصیده‌سرا.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، جلد ۱، تهران، روزنامه ایران.
- (۱۳۸۶) دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار
- های، کالین (۱۳۸۶) درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران، نی.
- هورکهایمر، ماکس و تئودور آدورنو (۱۳۸۳) دیالکتیک روشنگری، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران، گام نو.
- هینز، استیون (۱۳۸۷) رویکرد تفکر سیستمی به برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه رشید اصلانی، تهران، نی.
- یعقوبی، نورمحمد (۱۳۸۵) دولت الکترونیک، رویکرد مدیریتی، تهران، افکار.

Emil, T. Jr Bailey (2002) (Come Together? Debunking the Myth of the Internet and the global Village) in Michael Mazarr, Information Technology and World Politics, New York, Palgravi Macmillan.

Heeks, Richard (1999) Reinvent Government in the Information Age, London, R

- Mazarr , Michael. (2002) Information Technology and World Politics, New York, Palgravi Macmillan.
- McCormick, Glenn (2002) (Stateless Nations, I pledge Allegiance to ...?) in Michael Mazarr, Information Technology and World Politics, New York, Palgravi Macmillan.
- Nash, Kate (2001) (Contested Power, Political sociology in the Information Age) in Frank Webster, culture and Politics in the Information Age, London, Rutledge.
- Ohmae, K. (1990) the Borderless World, New York, Harpr, Collins,
----- (2002) Globalization Region and the Economic conference for Globalization and Policy Reserch UCIA January.
- O'Neil, Tania Stanley (2002) (Sub national Groups and the Internet, A Irritant to Globalization, Not a threat) IN Michael Mazarr, Information Technology and World Politics, New York, Palgravi Macmillan.
- Stevenson, nick (2001) (The Future of public media cultures) in Frank Webster, culture and Politics in the Information Age, London, Rutledge.
- Tomlinson, john (2001) (Proximity politics) in Frank Webster, culture and Politics in the Information Age, London, Rutledge.
- Webster, Frank (2001) culture and Politics in the Information Age, London, Rutledge.